یادداشت

امیر خدادادهمدانی؛ دبیر گروه فرهنگ

هویت ملی و همت مسئولانه

هویت ملی در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه کشور مورد تأکید قرار دارد و در امتداد این اهمیت رهبر معظم انقلاب در بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز تأکید داشتند که «در زمینه تولید کتاب‌های کودکان و نوجوانان متناسب با فرهنگ خودمان، تلاش شود تا از کتاب‌های بیگانه بی‌نیاز شویم.»

در این بین به‌کارگیری ظرفیت‌های کشور و اشاره به وظایف و اختیارات دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی برای نیل به گسترش فرهنگ بومی و اهتمام به هویت ملی قابل توجه است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف-وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: مدیریت و نظارت بر آثار ترجمه تنها به‌معنای اعمال محدودیت‌ها و ممیزی‌ها نیست که البته در این مسئله هم تاکنون دچار کاستی‌هایی بوده‌ایم، بلکه ساماندهی به وضعیت کنونی ترجمه کتاب کودک بیش از هر مسئله‌ای نیازمند بررسی محتوایی و مدیریت ترجمه آثار است؛ چالش‌های اساسی که در زمینه ترجمه وجود دارد به‌طور قطعی از عدم‌مدیریت و کافی نبودن ممیزی‌ها حکایت دارد، یکی از معضلات اساسی، انتشار ترجمه‌های گوناگون از یک اثر خارجی‌است اما پس از موفق واقع شدن یک نمونه ترجمه‌شده، دیگر ناشرها هم نسبت به چاپ و انتشار همان اثر بدون رعایت حق تکثیر اقدام می‌کنند و نتیجه این ماجرا این است که ما با نسخه‌های گوناگون ترجمه یک اثر از سوی نشرهای گوناگون در بازار مواجه می‌شویم که بسیاری از آنها از نخستین نسخه ترجمه شده، کپی شده است و عملا ناشران هیچ فعالیت و تلاش خاصی در زمینه ترجمه اثر انجام نداده‌اند و متأسفانه نواقصی در حوزه قانونی برای جلوگیری از چنین تقلب‌ها و رفتارهای غیرتخصصی وجود دارد. بنابراین این کپی برداری‌ها همچنان سد راه نوآوری است و هیچ‌گونه راه پیشرفتی برای تمایل به تألیف را باقی نمی‌گذارد.

ب-وزارت آموزش و پرورش: ادبیات کودک به‌شدت نیازمند حمایت‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی است تا انگیزه و امید به ناشران این حوزه برگردد و در این میان آموزش و پرورش به‌عنوان متولی تعلیم و تربیت نقش بی‌بدیلی دارد تا دغدغه‌های اقتصادی و مالی ناشران را نیز مدنظر داشته باشد. البته به‌عنوان نمونه در چند سال گذشته طرحی به‌عنوان تالیف رمان نوجوان به همت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان برگزار شد و خروجی این پروژه انتشار چند طرح رمان موفق در حوزه نوجوان بود؛ حال جای خالی این قبیل از فعالیت‌ها در حوزه کودک بسیار حس می‌شود.

ج-رسانه‌ها: شکل‌گیری نگاه خانواده‌ها به حوزه کتاب کودک، بیشتر به صداوسیما و تولیدات رسانه‌ها بازمی‌گردد، بنابراین کارهای ادبی و تصویری ضعیف که جنبه اقتصادی و تبلیغی آن پررنگ است، موجب می‌شود که فرهنگ محاوره‌ای بیشتر از فرهنگ ادبی فاخر تبلیغ ترویج شود. پس نقش رسانه‌ها در شکل‌دادن به سلیقه و نگاه کودکان را می‌توان با تبلیغ کتاب به تبلیغات خوراکی در تلویزیون تشبیه کرد، چراکه به‌عنوان مثال به بچه‌ها می‌گوییم خوراکی‌های مفید و سالم و شیر بخورند اگرچه ممکن است برای بچه‌ها جذابیتی نداشته باشد اما اگر بخواهیم تنها به سلیقه بچه‌ها توجه کنیم شاید آنها خوراکی‌های غیرمفید و حتی مضر -اما جذاب- را دوست داشته باشند، کتاب کودک هم شبیه همین مثال است. در این بین گاهی سلیقه بچه‌ها با آثار ساده و دم‌دستی شکل می‌گیرد و اگر بخواهیم تنها به‌دنبال خوش‌آمدن بچه‌ها باشیم باید به سمت تولید کتاب‌های بازاری و سطحی حرکت کنیم درحالی‌که برای انتشار کتاب یک‌سری قاعده‌های کلی وجود دارد و مؤلف باید کودک را از نظر روانشناسی کاملا بشناسد و متناسب با دنیای کودک و در قالب تقویت هویت ملی دست به تولید اثر بزند و البته جذابیت و رعایت فرایندهای هنری در نویسندگی و تصویرسازی مقدمه این امر است. براین اساس ایجاد دلبستگی به فرهنگ و ادبیات و تقویت هویت ملی، ربط مستقیمی به ادبیات کودک و نوجوان دارد. پس برای این مهم سیاست‌های تقنینی و اجرایی نیازمند اصلاح و بازبینی است تا در صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش عشق به سرزمین و تاریخ و فرهنگ ملی و در نهایت سبک زندگی ایرانی –اسلامی موجب بالندگی کودک و نوجوان ما شود.

وزارت آموزش و پرورش
ساختمان شهید رجایی (مرکزی)
توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود
جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

جلوی کتاب‌سازی برای کودک و نوجوان را بگیرید

گفت‌وگو با نادر قدیانی، مدیر انتشارات قدیانی

گفت و گو

ناصر احدی
روزنامه‌نگار

انتشارات قدیانی یکی از قدیمی‌ترین ناشران فعال در حوزه کودک و نوجوان است که خانواده‌ها و بچه‌ها کتاب‌های کودک و نوجوان این انتشارات را با نام «بنفشه» می‌شناسند. نادر قدیانی، مدیر این انتشارات، از پیش از انقلاب در حوزه کتاب فعال است و تجربه فراوانی درباره حوزه نشر دارد. با او درباره مسائل پیش روی حوزه کتاب کودک و نوجوان گفت‌وگو کرده‌ایم.

استقبال از کتاب‌های کودک و نوجوان انتشارات شما در نمایشگاه چطور بود؟ و به‌طور کلی، کتاب‌های کودک و نوجوان در نمایشگاه چه وضعیتی داشتند؟

اوج شکوفایی کتاب کودک و نوجوان دهه ۱۳۶۰ است و طبیعتا متولدان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ یا حتی دهه ۸۰ غالبا پدران و مادران جوان امروز هستند که خودشان با کتاب‌های خوب کودک و نوجوان آن سال‌ها بزرگ شده‌اند و فرهنگ مطالعه، حداقل در این قشر قابل‌قبول بوده و بالا رفته است. در نمایشگاه امسال، متولدان این سال‌ها با بچه‌هایشان به غرفه ما می‌آمدند و می‌گفتند ما بچه که بودیم، پدر و مادرمان ما را به غرفه شما آورده بودند و کتاب خریدیم، حالا هم آمده‌ایم که برای بچه‌هایمان خرید کنیم. بر همین اساس، شعار انتشارات ما در نمایشگاه این بود: «دیروز بچه بودیم، بنفشه می‌خواندیم، امروز فرزندان‌مان نیز بنفشه می‌خوانند.» در اوایل دهه ۶۰، تعداد ناشران کودک و نوجوان به اندازه انگشتان یک دست هم نبود، اما حالا تعداد دویست‌وخرده‌ای ناشر کودک و نوجوان در نمایشگاه امسال غرفه داشتند، فارغ از اینکه کتاب‌هایشان استاندارد هست یا نیست. رونق کتاب‌های کودک و نوجوان در این سال‌ها نسبت به سایر حوزه‌های نشر مورد قبول است. من امسال جزو شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب بودم و تلاش معاونت فرهنگی ارشاد را از نزدیک دیدم. من خودم از نمایشگاه سیزدهم تا نوزدهم مدیریت بخش ناشران داخلی را بر عهده داشتم و ۴سال در انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان مدیریت کرده بودم و با مسائل این حوزه آشنا هستم. ما نظرات‌مان را با دوستان ارشاد در میان می‌گذاشتیم و دوستان تلاش کردند که بخش کودک و نوجوان امسال نمایشگاه وضعیت بهتری داشته باشد. امسال تقریبا هر ناشری هر متراژی را برای غرفه‌اش در نمایشگاه تقاضا کرد، اختصاص دادند. ما در انتشارات قدیانی همیشه دوست داشتیم که غرفه بزرگی داشته باشیم، ولی هیچ‌وقت این امکان مهیا نمی‌شد. اما امسال با ۶۵۰متر بزرگ‌ترین غرفه را داشتیم و خانواده‌ها و بچه‌ها خیلی از این فضا استقبال کردند و با آرامش در آن می‌گشتند و کتاب‌های مورد پسندشان را انتخاب می‌کردند.

در مقام ناشر کودک و نوجوان، بزرگ‌ترین مسئله و مشکل کتاب‌های این حوزه را چه می‌دانید؟

بزرگ‌ترین دغدغه و نگرانی من برای سال‌های آینده است. ما سالانه حدود ۳۰هزار بند مصرف کاغذمان است که از این مقدار یک‌سومش به مصرف کتاب‌های به‌اصطلاح خطی می‌رسد که همان رمان و داستان برای نوجوانان و جوانان است که اینها با کاغذ ایرانی چاپ می‌شود و هرقدر هم بخواهیم، وزارت ارشاد می‌دهد. دغدغه من برای کتاب‌های مصور و رنگی است. در این حوزه، ما از نظر منابع انسانی تحصیل کرده و کاربلد مشکلی نداریم و تصویرگرانی قوی داریم. مشکل‌مان این است که کتاب‌های کودک کاغذهای گلاسه و گرم بالا و مقواهای بهداشتی می‌خواهد که در همه‌جای دنیا رایج است. به هر حال، بچه کتاب را به‌دست و دهانش می‌زند و جنس کاغذ این کتاب‌ها باید کاملا بهداشتی و استاندارد باشد. مواداولیه این کتاب‌ها خیلی گران شده و کتابی که مثلا ۳سال پیش ۵هزار تومان برای ما تمام می‌شد، الان به ۳۰ تا ۳۵هزار تومان رسیده است. هم ممکن است خانواده‌ها نتوانند چنین کتابی را بخرند و هم ممکن است اصلا دیگر این کتاب‌ها تولید نشود. این بود که از وزیر محترم فرهنگ و ارشاد در جلسه‌ای تقاضا کردیم که واردات این کاغذ خاص را آزاد کنند تا کاغذهای گرم بالا برای بخش کودک و نوجوان وارد شود که ظاهرا با این موضوع موافقت شده و ارز نیمایی کاغذ از گروه ۲ به گروه یک آمده، اما ما باید این را در عمل ببینیم تا در چندماه آینده مشکل کاغذ هم حل شود.

وضعیت ترجمه کتاب‌های کودک و نوجوان طوری هست که خانواده‌ها نگران باشند که این کتاب‌ها می‌تواند برای فرزندان‌شان مضر باشد؟

بحث ترجمه را باید به ۲ دسته تقسیم کرد؛ یک دسته ترجمه کتاب‌های آموزشی و علمی و دایره‌المعارف که تالیفش در کشور ما واقعا سخت است. برای انتشار چنین کتاب‌هایی باید یک تیم حرفه‌ای چند سال کار کنند که با این حق‌التالیف‌های اندک هم کسی وقت نمی‌گذارد. ترجمه این کتاب‌ها مشکلی به‌وجود نمی‌آورد. در حوزه کتاب‌های کودک و خردسال، آثاری منتشر می‌شود که انیمیشن‌هایشان ساخته و معروف شده، اما کتاب‌هایشان استاندارد نیست و اینها را غالبا ناشران تازه‌کار که صرفا هم اقتصادی فکر می‌کنند، منتشر می‌کنند. برخی از این ناشران حتی نسخه اصلی این کتاب‌ها را ندارند و مترجمانی که زبان اندکی می‌دانند یا حتی درست زبان نمی‌دانند، اینها را ترجمه می‌کنند. برخی ناشران کتاب‌ساز هم هستند که کتاب‌های ناشران حرفه‌ای را که به کیفیت ترجمه و ویرایش و طراحی جلد اهمیت می‌دهند، رونویسی می‌کنند و با نام مترجمان دیگر این کتاب‌ها را منتشر می‌کنند. معتقدم در اینجا مسئولان فرهنگی به‌عنوان مدعی‌العموم باید وارد شوند و کاری درباره این کتاب‌های رونویسی‌شده که امنیت حوزه کتاب کودک و نوجوان را به خطر می‌اندازند، انجام دهند.

در حوزه کتاب‌های کودک و خردسال، آثاری منتشر می‌شود که انیمیشن‌هایشان ساخته و معروف شده، اما کتاب‌هایشان استاندارد نیست و اینها را غالبا ناشران تازه‌کار که صرفا هم اقتصادی فکر می‌کنند، منتشر می‌کنند. برخی از این ناشران حتی نسخه اصلی این کتاب‌ها را ندارند و مترجمانی که زبان اندکی می‌دانند یا حتی درست زبان نمی‌دانند، اینها را ترجمه می‌کنند

خانواده‌ها چطور می‌توانند برای فرزندان‌شان کتاب مناسب با سن و سال‌شان انتخاب کنند؟ مخصوصا وقتی این را درنظر می‌گیریم که سرانه مطالعه در جامعه ما زیاد نیست و پدر و مادری که خودش کتاب نمی‌خواند، نمی‌تواند کتاب خوبی هم برای فرزندش انتخاب کند.

کتاب‌های کودک و نوجوان معمولا در همه دنیا قبل از چاپ بررسی می‌شود. اینجا هم کتاب‌های خردسال و هم کتاب‌های بزرگسال مرحله بررسی قبل از چاپ را می‌گذرانند، اما آن دقتی که باید در مورد کتاب‌های کودک و نوجوان به خرج داده شود، نمی‌شود. وزارت ارشاد برای سرعت‌دادن به‌کار به بعضی استان‌ها اجازه صدور مجوز داده و در نتیجه نگاه این استان با استان دیگر در صدور مجوز فرق دارد یا ناشری که در تهران کتاب خوبی منتشر کرده، همین کتاب با رونویسی در استان دیگری مجوز می‌گیرد. این نیازمند نظارت است. خانواده‌ها هم می‌توانند با مراجعه به دبیرخانه ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی کتاب‌های مناسب مورد تأیید این دبیرخانه را که زیرنظر وزارت آموزش و پرورش است، برای کودکان‌شان انتخاب کنند. بیش از ۲۵۰۰عنوان از کتاب‌های انتشارات ما مورد تأیید این دبیرخانه است و شنیده‌ام که شمار این کتاب‌ها از ۴۰هزار عنوان هم رد شده و با خیال آسوده خرید کنند. نروند از دکه‌ها، فرودگاه‌ها، ترمینال‌ها، ایستگاه‌های مترو که کتاب‌های تخفیف ۵۰درصد می‌فروشند، خرید کنند. اینها عوام‌فریبی است. اینها قیمت‌ها را چندبرابر می‌زنند، بعد تخفیف می‌دهند. این کتاب‌ها استاندارد نیستند. در ضمن بچه‌ها را به محل‌های فرهنگی مثل باغ کتاب ببرند تا بچه‌ها در محیط‌های فرهنگی قرار بگیرند.

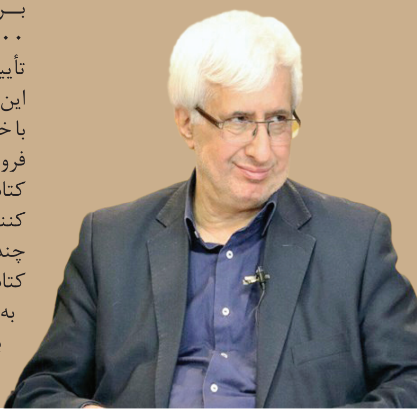

قصه‌هایی که کهنه نمی‌شوند

«قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» همچنان با کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار می‌کند

گزارش

سعید مروتی
روزنامه‌نگار

مجموعه ۸جلدی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» نوشته مهدی آذریزدی، نمونه مثال‌زدنی تالیف بومی در حوزه ادبیات کودکان است. محصول نگاه دقیق و توانایی و هوشمندی نویسنده در دورانی که اساساً چیزی به نام ادبیات کودکان در این سامان معنای چندانی نداشت. از سال ۱۳۳۵ که آذریزدی نخستین جلد از مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب را به نگارش در آورد و با توجه به استقبالی که از آن شد، نگارش جلدهای بعدی را در دستور کارش قرار داد، زمان زیادی می‌گذرد و جالب اینکه مخاطبان اولیه کتاب‌های او حالا این آثار را برای نوه‌های خود تهیه می‌کنند.

۱ قصه‌های کلیله و دمنه

دستمایه نخستین کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» براساس حکایت‌های کلیله و دمنه شکل گرفته است که شامل ۲۵داستان است. ترجمه فارسی کتاب کلیله و دمنه هم دشوار است و هم اینکه برای کودکان و نوجوانان قابل فهم نیست، اما در این کتاب، مهدی آذریزدی با زبانی ساده و قابل درک برای بچه‌ها بازنویسی کرده است. نکته مهم دیگر، انتخاب‌های هوشمندانه آذریزدی است. حکایت‌های منتخب کوتاه و مناسب کودکان و نوجوانان هستند؛ داستان‌هایی مانند «دوستی کبک و شاهین»، «خرچنگ و مرغ ماهی‌خوار»، «تربیت گرگ» و... هم واجد جذابیت هستند و هم همراه با پیام‌های اخلاقی. داستان‌هایی که برخی از زبان حیوانات و برخی هم از زبان انسان‌ها بیان می‌شوند. از همان جلد اول مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، مشخص است که مسئله اصلی نویسنده، زبان و لحن است و یافتن راهکاری که بشود متون کهن را با زبانی امروزی روایت کرد.

۲ قصه‌های مرزبان‌نامه

مرزبان‌نامه یکی از آثار فاخر ادبی با ۷۰حکایت اصلی و فرعی است که برخی از آنها مانند کلیله و دمنه از زبان حیوانات روایت می‌شوند و برخی دیگر افسانه‌ها و داستان‌های تاریخی هستند. اصل این کتاب حدود ۸۰۰سال پیش به زبان طبرستانی (مازندرانی) نوشته شده و بعدها نویسنده دیگری آن را به زبان فارسی درآورده است که به سبب داشتن عبارات و کلمات عربی، نثر دشواری دارد. در این کتاب ۲۱داستان مفید و آموزنده برای کودکان از مرزبان‌نامه انتخاب و با زبانی روان و رسا بازنویسی شده است؛ داستان‌هایی مانند «شیر پرهیزکار»، «درخت مراد»، «رسم راسویی»، «پند خرگوش» و... .

۳ قصه‌های قابوسنامه و سندبادنامه

یکی از فرازهای مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب و نمونه مثال‌زدنی تبدیل متون کهن به داستان‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان است. کتاب سندبادنامه در اصل به زبان هندی قدیم بوده و بعدها به زبان‌های پهلوی، عربی و سپس فارسی ترجمه شده است. طبق گفته نویسنده، تمامی قصه‌های این کتاب برای کودکان و نوجوانان مناسب نیست، بنابراین در این مجموعه با دقت فراوان داستان‌های مفید گلچین شده‌اند. قابوسنامه نسبت به سندبادنامه نثر روان‌تری دارد، اما خواندن آن نیز برای کودکان و نوجوانان کمی دشوار است، بنابراین داستان‌های ساده‌تر آن بازنویسی شده‌اند. برخی از داستان‌های کتاب سوم «خوراک بهشتی»، «مورچه و زنبور»، «یک قطره عسل» و... از سندبادنامه و «خیاط و کوزه»، «تجارت و سخاوت»، «گفتار خوب» و... از قابوسنامه هستند.

۴ قصه‌های مثنوی

چهارمین کتاب این مجموعه شامل ۲۴قصه از مثنوی مولوی است. مثنوی یکی از برجسته‌ترین و کم‌نظیرترین متون ادبی-عرفانی است. آذریزدی حکایت‌های مثنوی را با زبانی ساده و شیوا بیان کرده است تا خواندنش برای کودکان و نوجوانان میسر و مفید باشد. قصه‌هایی مانند «فرار از مرگ»، «سیاست باغبان»، «دشمن در لباس دوست»، «حق‌شناسی لقمان» و... در این کتاب آمده‌اند. قصه‌های مثنوی هم با دقت انتخاب و هم اینکه به زبانی ساده و پالوده بازنویسی شده‌اند. هنر آذریزدی هم در انتقال مفاهیم متن اصلی با بیانی همه‌فهم قابل مشاهده است و هم در بازآفرینی حکایات با زبان خودمانی و صمیمی.

۵ قصه‌های قرآن

روایت‌های این کتاب از قرآن، بیشتر براساس آنچه از زندگی پیامبران آمده، تنظیم شده است. جلد پنجم قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، کودکان و نوجوانان را با داستان زندگی پیامبران، معجزات آنها و دستورات دینی آشنا می‌کند. نخستین داستان کتاب درباره حضرت آدم است و ماجرای خلقت انسان را با زبانی دلنشین و جذاب روایت می‌کند. از دیگر داستان‌ها می‌توان به داستان حضرت نوح، هود و صالح، ابراهیم، ایوب، یوسف، اصحاب کهف و... اشاره کرد.

۶ قصه‌های شیخ عطار

سادگی در بیان و کوشش برای انتقال مفاهیم اخلاقی در ششمین کتاب از مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب نیز مشهود است. قصه‌های عطار برگرفته از حکایت‌های عطار نیشابوری است. آنچه دستمایه قصه‌های عطار قرار گرفته برگرفته از مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر و الهی‌نامه است. قصه‌های عطار شامل ۲۱داستان بازنویسی‌شده از این ۳اثر به‌جا مانده از عطار نیشابوری است. در انتخاب حکایت‌ها، اصل کلی حاکم بر کل مجموعه، یعنی جذابیت و معنا رعایت شده است. داستان‌ها در عین برخورداری از جذابیت و کشش لازم، واجد معنا نیز هستند. «پیر چنگی»، «گدای عاشق» و «دندان سفید» از جمله داستان‌های این مجموعه هستند.

۷ قصه‌های گلستان و ملستان

حکایت‌های گلستان و ملستان داستان‌های این کتاب را تشکیل می‌دهند. حکایت‌های گلستان سعدی که شهرت و اعتباری بی‌نیاز از توصیف را دارند اما ماجرای ملستان چیست؟ ملستان در لغت به‌معنای میخانه است، در اینجا اما مجموع آثار شبیه به گلستان مدنظر است. پس از نگارش گلستان به سبب شهرت و محبوبیتی که این اثر یافت، تقلیدهای فراوانی از آن صورت گرفت. آثار هیچ‌یک از مقلدان سعدی به اندازه گلستان پرآوازه نشد ولی آذریزدی از دل همین حکایت‌ها هم قصه‌های جذاب و آموزنده‌ای را نقل کرده است. ازجمله حکایت‌های این کتاب می‌توان به «گدای نابینا و دزد بینوا»، «مردی که یکی را دوتا می‌دید»، «همنشین بدنام» و... اشاره کرد.

۸ قصه‌های چهارده معصوم (ع)

آخرین کتاب این مجموعه قصه‌هایی درباره چهارده معصوم است که آذریزدی آنها را براساس احادیث و روایات به نگارش درآورده است. جلد هشتم قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، روایت شیوه زیست و زندگی و زمانه معصومین است. مولف در این کتاب از مجموعه‌ای متنوع و گسترده به‌عنوان منابع نگارش کتاب بهره گرفته و یک‌بار دیگر مهارت خود در گزینش و انتخاب‌هایی که مناسب کودکان و نوجوانان باشد را نمایان می‌کند. حسن ختامی بر مجموعه‌ای ماندگار که بر پایه میراث ملی و مذهبی ما شکل گرفت و در گذر زمان همچنان مورد توجه قرار دارد.

مهدی آذریزدی به روایت خودش

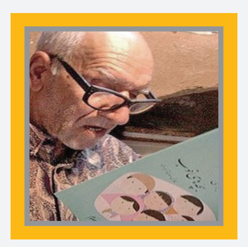

اوایل دهه ۹۰ بود که حکایت پیر قصه‌گو منتشر شد؛ کتابی خواندنی در گفت‌وگو با مهدی آذریزدی که از زندگی خود گفته است. این کتاب ۲۳۰صفحه‌ای که در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات مؤسسه جهان کتاب به چاپ رسید یک گفت‌وگوی بلند با مهدی آذریزدی درباره زندگی و آثارش است. در این گفت‌وگو، از ابتدای زندگی او تا پایان زمستان ۱۳۸۳ مورد بحث قرار گرفته است. هنگام گفت‌وگو با نیم‌نگاهی به روزشماری که صورت گسترش‌یافته آن در ابتدای همین کتاب به جای زندگینامه او می‌آید به گوشه‌های مختلف زندگی و آثار آذریزدی سرک کشیده شده، نگارنده پیش از آن نیز در پاییز همان سال گفت‌وگویی دیگر با آذریزدی انجام داده بود که ابتدا به‌صورت ۲شماره پیاپی در هفته‌نامه محلی پرگار در یزد به چاپ رسید. مهدی آذریزدی درباره زندگی‌اش می‌گوید: «ابتدا در محله‌ای زرتشتی‌نشین زندگی می‌کردیم و از آنجا که پدر اذان می‌گفت به‌خصوص در هنگام اذان صبح، موجب نارضایتی ساکنان آن محله که اکثرا زرتشتی بودند می‌شد و پدر به همین خاطر آن خانه را فروخت و به محله دیگری رفتیم که تمام ساکنان آنجا مسلمان بودند.» و می‌گوید: «خانواده ما به‌دلایل مذهبی یا هر دلیل دیگر، خانواده‌ای منزوی بود و ما با هیچ‌کس حشر و نشر نداشتیم. یادم نمی‌آید که هیچ‌وقت در خانه‌مان مهمان داشته باشیم یا اینکه جایی به مهمانی رفته باشیم. ما جدا بودیم از مردم و زندگی خاصی داشتیم؛ مثل اینکه در روستایی زندگی می‌کردیم که تنها یک خانواده در آن زندگی می‌کرد و هیچ رفت‌وآمدی با مردم نداشتیم. بابای من رعیت بود؛ یعنی کشاورزی می‌کرد؛ هندوانه‌کاری، گندم‌کاری و... . زمانی هم باغبان بود که الان هم این باغ‌ها هست و معروف است به باغ غضنفر و باغ پهلوان.»

برخوردهای سلیقه‌ای حرف اول را می‌زند

داوود امیریان از وضعیت کتاب‌های ترجمه و تألیفی کودک و نوجوان می‌گوید

گفت و گو

فهیمه پناه آذر
روزنامه‌نگار

داوود امیریان، نویسنده کودک و نوجوان است؛ نویسنده‌ای که از دهه ۶۰ برای کودکان و به‌خصوص نوجوانان کتاب نوشته و برخی از کتاب‌هایش با ترجمه‌های متعدد جهانی شدند و رهبری هم برای کتاب «خداحافظ کرخه» تقریظ نوشته‌اند. این نویسنده درباره پیشی گرفتن کتاب‌های ترجمه بر کتاب‌های تالیفی به همشهری می‌گوید: «سال‌های سال است که ترجمه، حرف اول را در کتاب‌های کودک و نوجوان می‌زند؛ این اتفاق آنقدر زیاد شده که حتی رهبری هم در بازدید از نمایشگاه به این موضوع تأکید کرده و از این موضوع گله‌مند هستند.»

ترجمه‌های حرفه‌ای، ترجمه‌های دزدی

وی در ادامه به ترجمه کتاب‌ها اشاره می‌کند: «نمی‌توان ناشران را مقصر اصلی خواند. همچنین نمی‌توان کتاب‌های ترجمه شده در حوزه کودک و نوجوان را رد کرد چرا که ترجمه حرفه‌ای جای خود را دارد، اما ناشران ما به سمت ترجمه‌هایی می‌روند که منجر به کتابسازی می‌شود. گاهی هم برخی از ناشران کتاب‌هایی را در نمایشگاه‌های خارجی خریداری و در ایران منتشر می‌کنند و این درحالی است که این کتاب‌ها تنها ترجمه صرف است بدون آنکه تصویرگری و گرافیک درست و حسابی داشته باشد. برخی از ناشران با کتاب‌های کودک و نوجوان به راحتی برخورد می‌کنند؛ انگار این کتاب‌ها کمترین اهمیت را برایشان دارد.» نویسنده کتاب «جام جهانی در جوادیه» با اشاره به وضعیت نابسامان ترجمه و اینکه متأسفانه برخی از ناشران به هم رحم نمی‌کنند و بدون اجازه از ترجمه‌های یکدیگر استفاده می‌کنند، تصریح می‌کند: «یک ناشر، کتابی را تهیه و بابت ترجمه، حق‌الترجمه می‌پردازد و منتشر می‌کند و ناشران دیگر بدون اجازه و صرف هزینه‌ای از ترجمه آن استفاده کرده و با نام یک مترجم دیگر کتاب را منتشر می‌کنند. این یکی از موارد اسفبار کتاب‌های کودک و نوجوان است که در شاخه‌های دیگر نیز دیده می‌شود.»

سیاست حمایتی وجود ندارد

این نویسنده که تاکنون بیش از ۴۵کتاب در حوزه کودک و نوجوان نوشته است، با بیان اینکه کارهای تالیفی جایگاه خاص خود را دارد از عدم‌سیاست حمایتی وزارت ارشاد در تمام دولت‌ها گله‌مند شده و اضافه می‌کند: «وزارت ارشاد به‌عنوان یک متولی هیچ سیاست حمایتی ندارد، همه‌چیز در حرف خلاصه می‌شود و به مرحله اجرا نمی‌رسد. از یک‌سو ارشاد حق‌التألیفی به نویسندگان نمی‌دهد و فعالیت نویسندگان به‌خاطر وضعیت اقتصادی کم شده است.

از سوی دیگر در ایران خبری از کپی‌رایت هم نیست و همین موضوع باعث شده کارهای ترجمه سر و سامان نداشته باشند و حتی به لحاظ شرعی بدون اجازه مولف ترجمه و چاپ کردن کتاب‌ها درست نیست.»

وقتی چرخ از اول اختراع می‌شود

نویسنده کتاب «گردان قاطرچی‌ها» به فعالیت برخی از ناشران تخصصی حوزه کودک و نوجوان هم اشاره می‌کند: «یکی از مشکلات بزرگی که ناشران حوزه کودک و نوجوان دارند، تغییر مدیریت و طی شدن یک مسیر از نقطه صفر است؛ به‌طور مثال زمانی در مدیریت نشر کانون پرورش فکری، چاپ رمان‌های نوجوانان آغاز شد؛ خاطرم هست آن زمان نزدیک به ۳۰کتاب خوب از نویسندگان ایرانی منتشر شد و همین چاپ کتاب‌های تالیفی به نوعی حمایت از نویسندگان ایرانی بود، اما با تغییر مدیریت، مانند دیگر تغییر مدیریت‌ها در بخش‌های دولتی، همه‌چیز تغییر کرد و همان موقع قرار بود امیرکبیر و انتشارات حوزه هنری این رویه را شروع کنند، اما کار را ادامه ندادند. این یک برخورد سلیقه‌ای با فعالیت‌هاست که نمی‌دانم چرا وقتی مدیریتی تغییر می‌کند کارهای مدیر قبل از خود را قبول ندارد؟»

خانواده‌ها تقصیری ندارند

نویسنده «جام جهانی در جوادیه» در ادامه درباره انتخاب کتاب توسط خانواده‌ها توضیح می‌دهد و اینکه چه دوست داشته باشیم و چه دوست نداشته باشیم، خانواده‌ها براساس موج تبلیغی ایجاد شده، اقدام به خرید کتاب برای فرزندان خود می‌کنند. وی ادامه می‌دهد: «در این زمینه هم بسته حمایتی وجود ندارد و هیچ نقشه راهی دیده نمی‌شود. این موضوع به‌خاطر وضعیت نابسامان ناشران فعال در حوزه کودک و نوجوان است.»

حذف برخوردهای سلیقه‌ای

امیریان در پایان ۳ راهکار برای مطلوب شدن وضعیت تالیف و نشر کتاب‌ها عنوان می‌کند. موضوعی که به‌عقیده او سال‌های سال است عنوان می‌شود و در هر دوره مدیریتی مطرح شده اما نتیجه‌ای کسب نمی‌شود.

امیریان امیدوار است که با توجه به توصیه رهبر معظم انقلاب، وزارت ارشاد دقیق‌تر و با برنامه به این موضوع نگاه کند. نویسنده کتاب «خداحافظ کرخه» یکی از راهکارها را محدود کردن نگاه‌ها و برخوردهای سلیقه‌ای در حوزه تالیف و نشر عنوان می‌کند و اینکه قواعد و استانداردهای مشخص وجود داشته باشد.

وی توضیح می‌دهد: «نویسندگان ما با خطوط قرمز آشنایی دارند؛ مگر می‌شود نویسنده‌ای مانند احمد دهقان یا مرتضی سرهنگی خطوط قرمز را نداند؛ آن وقت به‌خاطر همین برخورد سلیقه‌ای یک جوان ۲۵ساله از کتاب این نویسندگان ایراد می‌گیرد؛ نویسندگانی که از ۱۶سالگی، هم در جبهه بودند و هم می‌نوشتند. ضوابط را بر روابط باید ترجیح داد.»

عدم‌صدور مجوزهای بی‌حد

امیریان راهکار دوم را کاغذ و ارزان شدن آن عنوان کرده و می‌گوید: «در حال حاضر کاغذ مازندران به جای کار اصلی خود، لیوان و ظروف یکبار مصرف تولید می‌کند؛ این یعنی بیچارگی ما. گران شدن کاغذ منتج به پایین آمدن تیراژ کتاب می‌شود. راهکار سوم این است که باید در صدور مجوزهای نشر، یک بازنگری صورت گیرد. دادن مجوز به هر ناشری باعث ایجاد مشکلات فراوان می‌شود.»

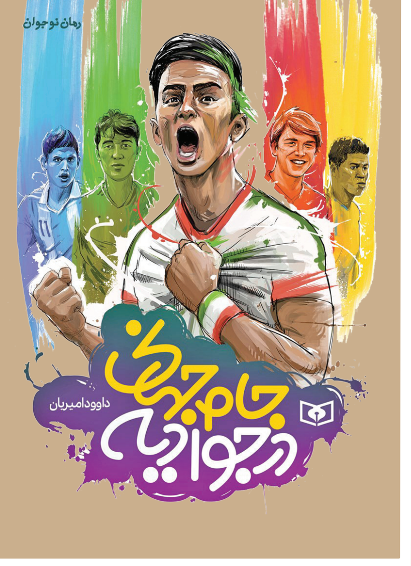

نویسنده «جام جهانی در جوادیه» درباره انتخاب کتاب توسط خانواده‌ها توضیح می‌دهد و اینکه چه دوست داشته باشیم و چه دوست نداشته باشیم، خانواده‌ها براساس موج تبلیغی ایجاد شده، اقدام به خرید کتاب برای فرزندان خود می‌کنند. وی ادامه می‌دهد: در این زمینه هم بسته حمایتی وجود ندارد و هیچ نقشه راهی دیده نمی‌شود. این موضوع به‌خاطر وضعیت نابسامان ناشران فعال در حوزه کودک و نوجوان است

گپ

هلیا نصیری؛ روزنامه نگار

وقتی ترجمه جای تألیف را می‌گیرد

غربت نویسندگان ایرانی

فاطمه طارمی، مدیرکل نظارت بر انتشارات کانون پرورش فکری درباره گرایش ناشران به کتاب‌های ترجمه به همشهری می‌گوید: «یکی از علت‌های بزرگی که ناشران تمایل به چاپ کتاب‌های ترجمه دارند، حق‌التالیف است. ترجیح می‌دهند حق‌التالیف نپردازند و چون حق کپی‌رایت هم پرداخت نمی‌شود، راحت‌ترین و تقریبا ارزان‌ترین کار با توجه به مدل ترجمه‌هایی که صورت می‌گیرد، انتشار کتاب‌های ترجمه شده در حوزه کودک و نوجوان است.» وی ادامه می‌دهد: «متأسفانه با وجود فعالیت برخی از دستگاه‌های ناظر، هنوز جایی وجود ندارد که بتوان حق و حقوق ناشران و مولفان را پیگیری کرد. نشر به‌عنوان یک صنعت در کشور ما فعالیت دارد، اما متولی خاصی برای پیگیری امور وجود ندارد.»

برای کیفیت، نظارتی وجود ندارد

وی ادامه می‌دهد: «وقتی به‌عنوان یک فرد فرهنگی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب امسال به غرفه‌ها سر می‌زدم تا کتاب‌هایی را تهیه کنم، در میان انبوه آثار ترجمه شده یک‌سری کتاب بودند که اگر سیستم نظارتی کیفی وجود داشت، این آثار وارد چرخه نشر و توزیع نمی‌شد.»

مدیر کانون درباره خرید کتاب‌های ترجمه شده توسط خانواده‌ها هم توضیح می‌دهد: «درست است که سلیقه مخاطب بخشی از نشر کشور را رقم می‌زند، اما باید بپذیریم که ما به‌عنوان متولیان و حتی ناشران دولتی و خصوصی برای تولید محصولات فرهنگی سلیقه‌سازی نکرده‌ایم. نتوانسته‌ایم با کیفیت خوب کتاب‌های ایرانی را ارائه دهیم، بومی‌سازی کرده و آن را به مخاطب امروز معرفی کنیم تا مخاطب در میان بازار بزرگ نشر به این کتاب‌ها رجوع کند.»

باید عجله کنیم

طارمی در بخشی از صحبت‌هایش به گرایش نوجوانان ایرانی به سمت سریال‌ها و فرهنگ کره‌ای اشاره می‌کند و یادآور می‌شود: «اگر در حوزه کتاب‌های کودک و به‌خصوص نوجوان برنامه جامعی نداشته باشیم به‌طور حتم این اتفاق برایمان می‌افتد. رهبر انقلاب در نشست‌هایی که با فرهنگیان و مدیران آموزش و پرورش داشتند یا با اهالی فرهنگ، بارها به کتاب‌های تالیفی اشاره کردند و توصیه‌شان این بود که باید فرهنگ اصیل ایرانی را در کتاب‌های داستان نشان دهیم. باید شخصیت‌های بزرگ ایرانی را در کتاب‌ها به نوجوانان معرفی کنیم و بارها به بومی‌نویسی اشاره کردند، اما باید بپذیریم که کم‌کاری صورت گرفته است.»

ناشران دولتی و حمایت از نویسندگان

این مدیر در پاسخ به این سؤال که در برهه‌ای کانون پرورش فکری کتاب‌های تالیفی در حوزه کتاب نوجوان داشت و آیا این پروژه معلق شده است، توضیح می‌دهد: «همچنان کانون این برنامه را در دستور کارش دارد و تاکنون بیش از ۸۰کتاب منتشر شده است. تلاش بر این بود که از نویسندگان ایرانی حمایت کنیم.»

طارمی می‌گوید: «باید در دوران امروز که همه‌چیز در سیطره فضای مجازی است، نیازسنجی کنیم و ناشران دولتی به‌خصوص بیشترین حمایت را از نویسندگان و تالیف‌های آنان داشته باشند. نادیده گرفتن نویسندگان ایرانی باعث می‌شود که کتاب‌های ترجمه بیشتر شود و این یعنی فرهنگ ایرانی کمرنگ شده و حتی فراموش خواهد شد.»

هویت ایرانی - اسلامی در کتاب‌های نوجوان

وی در ادامه یکی از موضوعات را ترویج ادبیات کودک و نوجوان عنوان می‌کند که یکی از اهداف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. طارمی توضیح می‌دهد: «در سال ۱۴۰۲ تمام تلاش ما این است تا با ایجاد تعامل مثبت بین فعالان حوزه کودک بتوانیم شیوه جدیدی را در حوزه ادبیات کودک و نوجوان رقم بزنیم. یکی از سیاست‌های کلی ما این است که بتوانیم ادبیاتی در جهت تقویت هویت ایرانی-اسلامی و امیدآفرینی به کودکان و نوجوانان شکل دهیم. امروز کودک و نوجوان به امید نیاز دارد. تصمیم داریم تا علاوه بر کتاب‌هایی که برای کودک و نوجوان تولید می‌کنیم به سمت تولید کتاب‌های تئوری و مباحث نظری در حوزه کودک و نوجوان و کتابداری برویم. ناشران خصوصی به‌دلیل هزینه‌های بالای کتاب‌های پژوهشی در این حوزه ورود نمی‌کنند و این کانون پرورش فکری است که باید پا پیش گذاشته و این نوع کتاب‌ها را تقدیم حوزه کودک و نوجوان کند.»